

شاه کبیر [کوروش؟] ۳۰۰ نفر و به استناد دیودور Diodorus (۳۶۰) نفر، هم شاهدی بربروش زندگی غیرمعمول پادشاه و هم قلمرو نفوذ زنان در دربار ایران بود که دلیل زنجاری و انحطاط شاه بشمار می‌رفت.

آیا در جهان واقع نیز این کاری بود که زنان ایرانی انجام می‌دادند یا دقیقاً نقشی بود که نویسندگان یونانی به ایشان نسبت می‌دادند؟ بدون شک این وضع ناشی از این بود که نویسندگان یونانی دانش کمی در مورد دربار ایران بطور عموم و فعالیت‌های زنان درباری در زندگی دربار بطور خاص داشتند. بنابراین قضاوتشان نسبت به رفتار زنان ایران تا حدی به روش نگاه یونانیان به زنان در جامعه خویش بستگی داشت. معیار اخلاقی مطلق که زیر ساخت جامعه یونانی بود بطور گریزناپذیری موجب می‌شد یونانیان نتوانند از جامعه و بخصوص طبقات درباری و اشرافی که در ایران وجود داشت درک درستی داشته و برای ما به یادگار گذارند.

بدون شک جذبه‌ای نسبت به زنان ایرانی هم در دوران‌های باستان وجود داشته و در قرن چهارم [ق.م.] چنان رو به فزونی نهاد که در آثار نویسندگان ادبیات فلسفی و تاریخی هم ذکر زنان درباری ایران رفته‌است. با این وجود، همچون تمامی نوشته‌های تاریخی اطلاعاتی که محفوظ مانده است یک مجموعه است. در این مورد داستان‌ها به این دلیل انتخاب شدند که به‌خصوص مهیج بوده و مناسب برای متن روایی خاصی بودند و تصدیق‌کننده نظری که یونانیان آن عصر درباره زندگی دربار ایران پیش خود داشتند. هنگامی که اعمال، رفتارها، آداب و رسوم در فشار فرهنگ‌های بیگانه قرار است ارزش‌گذاری شوند، اغلب فرد بامعیاریهای فرهنگی خویش مقایسه و در برابرشان موضعگیری می‌کند. بر این اساس یونانیان بسیار نتوان‌تر از آن بودند که به پدید آوردن نوشته‌های خالی‌الذهن و بدون پیشداوری نسبت به زندگی دربار ایران پردازند. اظهاراتشان نسبت به زنان درباری ایران

هدف این کتاب بررسی جزئی و قابل‌درک وضع زنان در ایران دوره هخامنشی است که برگرفته از ترکیب مشترک مدارک یونان و ایران است

این کتاب به بررسی تلقی یونان از زنان دربار هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۱ ق.م) می‌پردازد. نیز تلاش دارد به موقعیت زنان درباری و غیردرباری از دیدگاه منابع خاور نزدیک با بررسی مدارک سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید و متون بابلی جدید پردازد

Women in Ancient Persia

زنان در ایران باستان

(۵۵۹-۳۳۱ ق.م)



• سیدعبدالحسین رئیس‌السادات

نویسنده: ماریا بروسیوس - استاد تاریخ باستان در کالج کونین (Queen college) آکسفورد
چاپ اول ۱۹۹۶ م
چاپ دوم ۱۹۹۸ م

به بنیانی اساسی برنمی‌خوریم. داستانهایی که به یاد می‌آیند و بالاخره راه خویش را در نوشته‌ها باز می‌کردند آن افسانه‌هایی بودند که مخصوصاً مهیج بودند از جمله افسانه‌هایی که به تشریح رفتار عجیب و غریب (زنده) زنان درباری می‌پرداختند. تا حدودی این هیجان‌انگیزی از انگیزه سیاسی برمی‌خاست که نتیجه روابط خصمانه بین یونان و ایران بود. نیز مقایسه بین رفتار زنان درباری ایران و یونان عامل مهمی بشمار می‌رفت، عامل سومی هم در انتخاب افسانه‌ها دخیل بود. داستان‌های پیرامون زنان درباری ایران اغلب چنان سرهم می‌شدند که مناسب الگویی تاریخ‌نگارانه و روایی باشند و به زنان وظایف مشخصی در متن داستان واگذار می‌گردید. بسیار تکانه‌نده است که در اکثر داستان‌ها این زنان ظالم، خشن و انتقام‌جو ظاهر می‌شوند. ایشان سرچشمه‌مکرها بوده و مسبب طغیان‌ها و شورش‌ها هستند. زنان درباری از قبیل آتوسا (Atossa)، آمستریس (Amestris) و پریساتیس (Parysatis) را تاریخ‌نگاران یونانی باسیمای ملکه‌های قدرتمندی تشریح کرده‌اند که نفوذ قابل توجهی بر پادشاهان داشته‌اند. بر اساس گفته هرکلید اهل کیم (Heracleides of Kyme) تعداد سراسر است معشوقه‌های

این کتاب در ۲۵۸ صفحه و در شش فصل همراه با فهرست اعلام، صورت ائتلاف‌های درباری از طریق ازدواج، کتابشناسی ضمیمه منابع باستانی و ضمیمه عمومی بار اول در سال ۱۹۹۶ و دومین بار در ۱۹۹۸ از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است. قبل از فصل‌های ششگانه، صورت نمودارها، خلاصه‌ها و نمادها، اوزان و مقیاس‌ها و تذکری به خواننده در بیست صفحه آورده شده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

این کتاب به بررسی تلقی یونان از زنان دربار هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۱ ق.م) می‌پردازد. نیز تلاش دارد به موقعیت زنان درباری و غیردرباری از دیدگاه منابع خاور نزدیک با بررسی مدارک سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید و متون بابلی جدید پردازد.

درک ما از زنان دربار هخامنشی بطور عمده از اطلاعاتی بدست می‌آید که هرودوت و تاریخ‌نویسان بعدی یونان ارائه نموده‌اند و بخش عمده‌ای محدود به نظرات اجمالی پراکنده اعمالی می‌شود که به زنان شاخصی نسبت داده می‌شود که متعلق به خاندان سلطنتی ایران بوده‌اند. به دلیل مدارک کم، اینگونه نظرات منجر به تعمیم به همه زنان درباری می‌گردد که از سطح این نظرات که عبور کنیم

منعکس کننده آنچه بود که یونانیان فکر می کردند رفتار زنان دربار به آن شبیه بود. آنچه مجاز بود یا برای زنان در جامعه ایران رفتار قابل قبول اجتماعی بشمار می رفت، از نظر یونانیان نه در چارچوب فرهنگ ایران، بلکه با معیارهای رفتار قابل پذیرش یونان مورد قضاوت قرار می گرفت.

تاریخنگاران باستان که تنها متکی بر منابع یونانی اند با مانع دیگری در تلاش برای درک جامعه ایران برخورد می کنند. نه تنها شناخت پیشداوری فرهنگی که راهش را در منابع نگاشته نشده باز کرده است حیاتی است بلکه لازم است به این باور برسیم که هرگاه داستانی برای روایت گزینش شده است، تابع اصول نگارش روایتی گسترده تر می شود. در این فضا زنان تمایل پیدا می کنند شناسه تاریخی فردی خویش را از دست داده و چهره های ادبی شوند که به خاطر پیشرفت داستان صفاتی به خود می گیرند که منحصرأ قابل اسناد دادن به زن ایرانی نبوده بلکه نماد اختصاصی صفات زن بطور عموم می شود؛ بیانات بی حد و حصر احساس یا رفتارهای بی حد و حصر هم به زنان ایرانی و هم یونانی نسبت داده می شود. به این ترتیب در بررسی مدارک یونان پیرامون زن ایرانی سه عامل بایستی همیشه مد نظر قرار گیرد: ۱- نوع داستانی که برگزیده شده اند. ۲- عقیده یونان از آنچه که رفتار قابل قبول برای زنان بود و نقش ایشان در جامعه و ۳- نقش ادبی تشریح زنان دربار ایران در تاریخنگاری یونان.

تمایلی عمومی در بین تاریخنگاران باستان وجود داشته که نقطه نظر یونان را در مورد زنان دربار ایران بی چون و چرا بپذیرند. این مسئله بازگوکننده ترجیح گسترده تاریخ یونان در تضاد با تاریخ شاهنشاهی ایران است. این تضاد هنگامی واضح تر می شود که تاریخنگاران باستان، تاریخ دوره اقتدار یونان را به دنبال فتح امپراطوری ایران توسط اسکندر (کبیر) مورد بررسی قرار می دهند. با آغاز از این فرض که منابع یونان بایستی مورد اعتماد قرار گیرند، دآوری پژوهشگران جدید بسیار زیاد یادآور تاریخ یونان باستان است جز اینکه با گذشت زمان دامنه پیشداوری گسترده تر شده تا جایی که مقایسه بین فرهنگ های ایران و یونان به همانگونه دیده می شود که فرهنگ های جهان غرب و خاور نزدیک.

بررسی جدید وضعیت زنان دربار ایران باستان به حدود اواخر قرن نوزدهم برمی گردد که با کشف متون بابلی جدید از اسناد موراشو (Murasu) آغاز شد که فعالیت های اقتصادی ملکه های ایرانی را در بابل ثبت کرده است. در سال ۱۹۰۴ برونو میسنر (Bruno Meissner) دریافت که نام پورساتو (Purusat) که در متون سنگنوشته از موراشو بدست آمده است، می تواند نام همسر داریوش دوم باشد که در منابع یونانی از آن به عنوان پاری ساتیس (Parysatis) یاد می شود. متون موراشو بازگوکننده اینست که وی هوفستات (Hofstaat) خویش را که شامل قاضیان و خدمتگزاران اشرافی می شد تحت اراده خویش داشت. بدنبال این مدرک چیز دیگری نمی آید.

میسنر هیچ جمع بندی از جایگاه یک همسر درباری در دوره هخامنشی ارائه نمی دهد و مشاهداتش وی را پژوهشگران هم عصرش را در آن موضوع به بررسی تصویر پاری ساتیس که صرفاً توسط مدارکی از منابع یونان ترسیم شده بود نمی کشاند. مدارک یونانی و بابلی در اذهان

درک ما از زنان دربار هخامنشی به طور عمده از اطلاعاتی به دست می آید که هرودوت و تاریخ نویسان بعدی یونان ارائه نموده اند و بخش عمده ای محدوده نظرات اجمالی پراکنده اعمالی می شود که به زنان شاخصی نسبت داده می شود که متعلق به خاندان سلطنتی ایران بوده اند

بررسی جدید وضعیت زنان دربار ایران باستان به حدود اواخر قرن نوزدهم برمی گردد که با کشف متون بابلی جدید از اسناد موراشو (Murasu) آغاز شد که فعالیت های اقتصادی ملکه های ایرانی را در بابل ثبت کرده است

در بررسی مدارک یونانی پیرامون زن ایرانی سه عامل بایستی همیشه مد نظر قرار گیرد: ۱- نوع داستان هایی که برگزیده شده اند، ۲- عقیده یونان از آنچه که رفتار قابل قبول برای زنان بود و نقش ایشان در جامعه و ۳- نقش ادبی تشریح زنان دربار ایران در تاریخ نگاری یونان

تاریخ دانان منفک از یکدیگر باقی ماندند.

در اینجا نویسنده به ذکر شواهدی از مدعیان خویش می پردازد که در آثار تاریخنگارانی چون میسنر، میلو، تودورنولدکه، ولز، آر. اشمیت، کورنمان، الم استد، برن، گوک، فرای و وت (Vogt) آمده است که تلاش داشته اند به نقش زنان درباری ایران باستان بپردازند. آنگاه ادامه می دهد:

برای تدارک مبنایی جهت بحث در مورد زنان ایرانی لازم بود نظری آزاد به تاریخ امپراطوری هخامنشی افکند. بررسی مجدد منابع یونانی و نظری انتقادی تر و دقیق تر به فرهنگ و جامعه یونان برای درک مرحله ای که نگرش یونان را از دربار ایران بازداشت و به انحراف کشاند اساسی بود. در بین کسانی که به چنین نقادی دست یازیدند می توان از سی. جی. استار، دی. ام. لویس، اچ. سانس، سی. ویرونبرگ، ج. دیزه هوفر، پی. بریانت و ا. کورت نام برد.

آنگاه نویسنده در این زمینه هم به ذکر شواهدی از آثار این نویسندگان می پردازد و نکات مثبتی که نقادانشان از دوران باستان ایران داشته است را به طور خلاصه ارائه

می دهد. سپس می آورد:

با انتشار هزاران متن از تخت جمشید، آر. تی. هالاک (R.T. Hallock) زمینه جدیدی را برای بحث در مورد ایران دوره هخامنشی گشود... (نویسنده به ذکر تعداد اسنادی می پردازد که در نتیجه خاکبرداری به دست آمده توسط هالاک منتشر شده است.)

قبل از خاکبرداری در سال های ۴-۱۹۳۳ مدارک اولیه از دوره هخامنشی تنها محدود به آثار بابلی و مصری می شد. ما امروزه مدیون مطالعات هالاک هستیم که می توانیم سنگ نوشته ها را بخوانیم و تلاش برای درک پیچیدگی سیاسی و زندگی اجتماعی دربار شاهنشاهی داشته باشیم. اینها مدارک دست اولی نه تنها از اعضاء خاندان سلطنتی بلکه زنان و مردان کارگری که در تخت جمشید کار می کرده اند، به ماضی دهند. [این اسناد] ریزینی در زندگی اجتماعی و اقتصادی دربار ایران را برای ما ممکن می سازد.

در اینجا نویسنده به ذکر اسامی و آثاری می پردازد که با استناد به مدارک کشف شده به بررسی ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی دوره هخامنشی می پردازند و می افزاید: تکیه بر متون سنگ نوشته فرصت های بی شمار دیگری را برای پژوهشگران می گشاید تا درک ما را از تاریخ ایران افزون سازند.

هدف این کتاب بررسی جزئی و قابل درک وضع زنان در ایران دوره هخامنشی است که برگرفته از ترکیب مشترک مدارک یونان و ایران است. مسلماً چنین بررسی ای با نظر به نگرش ها و روش های تجزیه و تحلیلی که برای دو گروه منابع مورد نیاز است، دشواری های خاص خویش را خواهد داشت.

دشواری ها، از جمله جدا کردن زنان از مجموعه مدارک، زبان متون سنگ نوشته ای، تحقیق در مورد منابع و بالاخره تلفیق منابع ادبی یونان و آرشو بدست آمده از خاور نزدیک، مطالبی هستند که نویسنده به آنها اشاره دارد. فصول این کتاب عبارتند از:

- ۱- مقدمه، که چکیده ای از آن در بالا آمد.
- ۲- القاب زنان درباری. شامل: مقدمه، استفاده از باسیلیا (basileia) در منابع یونانی، مادر شاه، همسر شاه، دختر شاه، همسران موقت دربار.
- ۳- انتلاف های ازدواجی درباری. شامل: مقدمه، شاهان اولیه ایران، داریوش اول، شاهان هخامنشی پس از داریوش اول، دختران درباری و اصالت خانوادگی.
- ۴- زنان درباری و دربار هخامنشیان. شامل: مقدمه، حضور در مجامع عمومی، جشنها، آداب و رسوم مرگ و به خاکسپاری، قدرت و نفوذ سیاسی، جمع بندی.
- ۵- زنان و اقتصاد ایران [دوره] هخامنشی. شامل: زنان درباری، مدارک بیشتر برای زنان طبقه برتر، زنان غیر درباری. خلاصه.
- ۶- جمع بندی.